



۲۰ آگست سال ۲۰۱۹

طارق "ارسلانی"

جنگ میوند: علل و پیامد های آن

"بخش چهارم"

از امارت یعقوب خان تا قتل کیوناری،

مشاورین نظامی "لارد لیتن" مخالف لشکر کشی به افغانستان مخصوصاً در آغاز فصل زمستان بودند. خود "لارد لیتن" نیز از بغاوت در میان عساکر مسلمان اردوی انگلیس و سرایت آن در میان مسلمانان هندوستان خوف داشت؛ بناءً قرار بر آن شد تا لشکر کشی انگلیس سریع و محدود باشد، به این معنی که اشغال کابل شامل پلان نبود و در نظر بود تا با برآورده شدن خواست های انگلیس، قوای انگلیس بسرعت افغانستان را تخلیه نماید. امیر محمد یعقوب خان در مکتوبی که به "لارد لیتن" نوشته بود از ادامه دوستی و همکاری با انگلیس ذکر نمود. با رسیدن مکتوب امیر محمد یعقوب خان "لارد لیتن" به "کیوناری" و وظیفه داد تا شرایط صلح را به امیر ابلاغ نماید. امیر یعقوب خان قرار دادن روابط خارجی افغانستان تحت نظارت انگلیس و استقرار نمایندگان انگلیس را در داخل خاک افغانستان قبول نمود ولی از واگذاری خاک های افغانستان به انگلیس ابا ورزید (۱). در این موقع سردار یحیی خان خسر امیر محمد یعقوب خان که توسط امیر شیر علی خان در هندوستان (کشمیر) تبعید گردیده بود، با به قدرت رسیدن داماد خود، از هندوستان عزم کابل را نمود (۲) و در جلال آباد "جنرال سموئل برون" در باب انعقاد رشته اتحاد و موالات با امیر محمد یعقوب خان با او مذاکره نمود و بصوابدید وی منشی "بختیار خان" را (که منشی خاص "جنرال برون" بود) با خود او نزد امیر محمد یعقوب خان فرستاد و قرار شد تا "بر طبق التماس انگلیسان امیر محمد یعقوب خان از کابل به منزل گندمک" برود (۳). امیر محمد یعقوب خان سردار شیر علی خان قندهاری را در کابل گذاشت و خود به معیت ۲۵ سردار (بشمول کاکا ها)، عده یی درباریان، و ۴۰۰ سوار بتاریخ دوم می (۴) از کابل حرکت و بتاریخ هشت می به گندمک رسید. انگلیسها با ۲۱ فیر توپ و رسم گذشت نظامی پنجهزار قوای انگلیس از امیر استقبال نمودند (۵). مذاکرات میان دو طرف در خیمه ای که انگلیسها برای امیر محمد یعقوب خان بر پا نموده بودند آغاز گردید. امیر متباقی شرایط انگلیسها را پذیرفت اما الحاق اراضی افغانی را به هند بریتانوی قطعاً قبول نمیکرد (به قول غبار مستوفی حبیب الله خان وردک و سپهسالار داود شاه خان از مخالفین سرسخت از دست دادن اراضی افغانی بودند). "بتاریخ ۱۷ می "کیوناری" که کمترین احترام را به دلائل جانب مقابل خود قائل است، با امیر بصورت خصوصی ملاقات نمود" (۶)؛ موصوف بالاخره توانست تا با حيله، نیرنگ، تخویف، و تهدید (تهدید سپردن قدرت به سردار ولی محمد خان)

بتاریخ ۲۶ ماه می سال ۱۸۷۹ معاهده "تنگین گندمک" را بالای امیر محمد یعقوب خان امضا نماید. امیر محمد یعقوب خان که زمانی در میدان جنگ با شجاعت کم نظیر شمشیر میزد و پادشاهی پدر را با ضرب شمشیر خود حاصل نموده بود، در نتیجه ظلم پدر و سپری نمودن هشت سال کوتاه قفلی زندان چنان "وحشتزده" Traumatize گردیده بود که قدرت تصمیم گیری سالم را از دست داده بود (۷). به این ترتیب در اثر معاهده گندمک اراضی گرم، پشین، و سیبی از پیکر افغانستان جدا گردید و استقرار نماینده انگلیسی نژاد در کابل نیز بر امیر محمد یعقوب خان قبولانده شد.

به فردای حرکت امیر محمد یعقوب خان بطرف کابل، "جنرال سموئل برون" نیز گندمک را ترک نمود. آخرین قوای انگلیس بتاریخ ۸ جون از گندمک حرکت نمود و جلال آباد بتاریخ ۱۳ جون تخلیه گردید. "جنرال رابرتس" طرفدار تخلیه افغانستان نبود و ضمن مکتوب اعتراضیه به "لارڈ لیتن" پیشنهاد نمود که افغانها باید بیشتر تنبیه شوند (۸)؛ موصوف بعد از ارزیابی راههای مختلف منتهی بکابل، در اوایل جولای بطرف "تل" عقب نشینی نمود. به علت گرمی فوق العاده، تخلیه قندهار تا تاریخ چهارم سپتمبر به تعویق افتاد. کابینه انگلستان "لارڈ لیتن" را به سبب موفقیت سریع و کم مصرف در عملی نمودن پلان تقدیر نمود.

"میجر کیوناری" که به حیث نماینده در کابل تعیین گردیده بود، در اواسط جولای به "تل" رسید و از آنجا بمعیت یک سکرتر، یک داکتر، ۵۰ محافظ پیاده، ۲۵ محافظ سواره نظام، و حدود ۱۲۰ عمه و خدمه از طریق علی خیل و لوگر بتاریخ ۲۴ جولای بکابل رسید. امیر محمد یعقوب خان امنیت "کیوناری" را متعهد گردیده بود فلذا محل اقامت "کیوناری" در تعمیر زیبا در داخل ارگ بالا حصار (که زمانی محل رهائیش امیر محمد اعظم خان بود) و به فاصله ۲۰۰ متری محل رهائیش امیر تعیین گردید. امیر یعقوب خان میخواست به بهانه حفظ امنیت بالای حرکات "کیوناری" نظارت داشته باشد، ولی "کیوناری" شخص ماجراجو و بلند پروازی بود که در محدوده بالا حصار محصور نماند و شروع نمود به تشکیل مجالس با اقشار مختلف مردم؛ موصوف "با سردارانی که در جنگ اخیر علناً از انگلیس حمایت نموده بودند روابط نزدیک قایم نمود" (۹). مخبرین امیر اسامی افرادی را که با "کیوناری" ملاقات میکردند به امیر میرساندند و امیر نیز شروع نمود به توییح افرادی که با انگلیسها همکاری نموده بودند (۱۰). "کیوناری" با پرداختن پول و تحایف به آنها که به مجالس اش حاضر میشدند، خود را از حالات کشور با خبر میساخت و حتی شروع نمود به مداخله در امور مالی کشور و دادن هدایات در باره ازدیاد معاش و ترفیع افسران نظامی. بعضاً مجالس "کیوناری" که از صبح وقت تا پاس شب دوام میداشت از دربار امیر یعقوب خان پر از دحام تر میبود. محافظین "کیوناری" نیز با تکبر در بازار های کابل گشت و گذار مینمودند و چندین بار در بازار شهر عساکر افغان و کابلی ها با محافظین "کیوناری" دست و گریبان شده بودند (۱۱). بتاریخ ۵ اگست شش غند عساکر هرات جهت حصول معاشات باقیمانده خود به کابل آمده و در قلعه شیرپور مستقر شدند. چهار ماه قبل از آن مامور انگلیس در مشهد راپور داده بود که "عساکر کابلی و قندهاری فرقه هرات در یک حالت نارضایتی و بی نظمی به سر میبرند" (۱۲). "یکی از ملازمین سابقه انگلیس بنام رساله دار نقشبند خان که ایام رخصتی خود را در منزل خود در قریه افشار به سر میبرد به "کیوناری" راپور آورد که: عساکر هرات عساکر کابلی را طعنه میدهند که مانند زن ها از مقابل انگلیس ها فرار نموده اند و گذشته از آن این عساکر با باجه خانه در شهر رسم گذشت بر پا نموده و بالای شهریان کابل صدا میزنند که چرا ایلچی

(سفیر) کافر به کابل آمده است. "کیوناری" نقشیند خان را تسلی داده و گفت: خوف نداشته باش، سگی که زیاد سر و صدا راه می اندازد، دندان نمیگیرد" (۱۳). "کیوناری" در پیامهای که به "لارد لیتن" میفرستاد هیچ نوع تشویقی از بابت وقوع کدام حادثه احتمالی ابراز نمیکرد و حتی در آخرین تلگرام خود بتاريخ دوم سپتامبر نوشت: "همه چیز خوب است" (۱۳). قرار معلوم نمایندگان عساکر هرات چندین مرتبه به دربار امیر یعقوب خان در بالاحصار آمده و تقاضای پول خود را نمودند (۱۴). سپه سالار داود شاه خان وعده پرداخت یکماه معاش را داد و بقیه را به آینده موکول نمود لیکن عساکر نپذیرفتند و صبح وقت تاریخ سوم سپتامبر تعداد بیشتر عساکر هرات به بالاحصار آمده تقاضای خود را تکرار نمودند؛ در جریان جر و بحث یک حالت بی نظمی و هرج و مرج رخ داد. بقرار بعضی روایات، در این موقع یکی از افسران صدا زد که همه صلاحیت نزد کیوناری است. عساکر که مسلح نبودند بطرف اقامت گاه "کیوناری" رفتند؛ "کیوناری" که خاطره حادثه ۳۹ سال قبل "برنس" در ذهن اش بود خوف نمود و امر فیر را داد. در اثر فیر سپاهیان انگلیس چند تن از عساکر کشته شدند؛ ما بقیه عساکر عقب نشینی نموده بسوی سلاح کوت شاهی هجوم بردند. عساکر خود را مسلح نموده و یکساعت بعد برگشته و بالای اقامتگاه "کیوناری" حمله نمودند. با شدت گرفتن جنگ انبوهی زیادی از مردمان گرد و نوای بالاحصار با عساکر شورشی پیوستند. "کیوناری" دو سه پیغام به امیر محمد یعقوب خان فرستاد و طلب کمک نمود. امیر سپه سالار داود شاه خان را با قران نزد شورشیان فرستاد ولی مردم خشمگین وی را از اسب به زیر کشیدند و داود شاه خان در حالیکه جراحت برداشته بود به مشکل توانست خود را از چنگ مردم نجات بدهد. انگلیسها به سختی مقاومت مینمودند ولی شورشیان با آوردن توپ توانستند تا در دیوار اقامتگاه سوراخ ایجاد نمایند و همچنان از ضلع غربی بالاحصار با گذاشتن زینه از طریق خانه های مجاور بالاحصار توانستند تا بر بالای بام اقامتگاه بالا شوند. از چهار تبعه انگلیسی نژاد سفارت، "کیوناری" اولین فردی بود که با اصابت مرمی به پیشانی اش کشته شد. حوالی ظهر شعله های آتش از اقامتگاه بلند گردید و آخرین سپاهیان انگلیس تا حوالی شام مقاومت نمودند. فردای حادثه مردم با هلهله و شادی سر "کیوناری" را در بازار میگشتاندند و یکبار دیگر خاطره ۳۹ سال قبل که جسم بیروح نماینده دیگر انگلیس در همین بازار از چنگک قصابی آویزان گردیده بود در اذهان زنده گردید. شام چهارم سپتمبر خبر این واقعه به علی خیل و از آنجا صبح وقت پنجم سپتمبر توسط تلگرام به سمله رسید.

ادامه دارد

طابق ارسلائی - ایالت ویرجینیا، امریکا

۱- سید قاسم رشتیا: افغانستان در قرن نوزده، ص ۲۵۱

۲- غبار مینویسد: برای این مذاکرات انگلیسها سردار یحیی خان را از هندوستان "بخواستند و بکابل بفرستادند" (غبار صفحه ۶۰۹). اما در منابع انگلیسی ذکر نگردیده است که انگلیسها سردار یحیی خان را خواسته باشند و احتمال دارد که سردار یحیی خان بعد از بقدرت رسیدن داماد اش (یعقوب خان) به میل خود عزم رفتن به کابل نموده باشد، چنانچه سردار ایوب خان نیز که بعد از بغاوت برادر خود (یعقوب خان) از ترس پدر به ایران پناه برده بود با به قدرت رسیدن امیر یعقوب خان دوباره به هرات برگشت.

۳- سراج التواریخ، ص ۳۵۰

۴- بسیار عجیب است در مکتوبی که امیر محمد یعقوب خان بتاريخ ۲۹ اپریل بدست منشی بختیار خان به "کیوناری" نوشته است، تاریخ حرکت خود را از کابل "دوشنبه سوم می ۱۸۷۹" ذکر نموده است، حال آنکه سوم می ۱۸۷۹ روز شنبه بود

۵- Malalai, Joan of Arc of Afghanistan; p ۱۴۶ و سراج التواریخ، ص ۳۵۱

۶- The Road to Kabul, p ۱۱۰

۷- چندین دلیل راجع به ولیعهدی عبدالله جان ذکر گردیده است که مهمترین همه نقش مادر عبدالله جان میباشد، ولی این نکته نیز قابل تذکر است که عبدالله جان با دختر وزیر ارسلان خان غلجائی (وزیر خارجه) نامزد بود (کتاب "لوی مبارز وزیر ارسلان خان جبارخیل، ص ۱۲")؛ نقش و نفوذ ارسلان خان، عصمت الله خان (وزیر داخله)، محمد شاه خان (وزیر خارجه بعد از فوت ارسلان خان) و متباقی اقوام غلجائی بر تصامیم امیر شیر علی خان خیلی حائز اهمیت است.

۸- Forty One Years In India by Gen. Roberts; p ۳۸۰

۹- فرهنگ: افغانستان در پنج قرن اخیر، ص ۲۴۲

۱۰- The Afghan War of ۱۸۷۹ by Hensman Howard, kindle version p ۱۶۸

۱۱- Maiwand by Edmond York, p ۶۰

۱۲- The Road to Kabul, p ۱۲۰

۱۳- The Afghan War of ۱۸۷۹ by Hensman Howard, kindle version p ۱۷۸

۱۴- دادن سه هزار سکه طلا توسط مادر عبدالله جان برای داود شاه خان جهت تحریک عساکر و قتل "کیوناری" که امیر عبدالرحمن خان آنرا ذکر نموده است نه توسط تحقیقاتی که بعد از لشکر کشی ثانی انگلیسها توسط "جنرال رابرتس" انجام گردید تأیید گردیده است؛ نه منطقی است؛ و نه هم جریان حوادث با آن سازگاری دارد. جنرال "ستوارت" (قومندان لشکر قندهار) در یاداشتهای خود به حواله سردار شیر علی قندهاری، مستوفی حبیب الله خان را محرک اصلی رویداد می داند.

باقی دارد

